کسب و کار

مدلی برای ضد ضربه شدن سازمان در آینده(بخش اول)

منبع: McKinsey: ایجاد تعادل بین انعطاف‌پذیری و ثبات، هدف همه ساختارهای سازمانی است. در صنایعی که به سرعت در حال تغییرند، انعطاف‌پذیری از سلطه تحولات تکنولوژیک حمایت می‌کند. در حالی که ثبات بیشترین کارآیی مورد نیاز را برای افزایش مقیاس ایجاد می‌کند. با این حال، انعطاف‌پذیری بیش از حد، باعث ناکارآمدی یا حتی بی‌نظمی می‌شود و ثبات بیش از حد هم، سکون و بیروکراسی ایجاد می‌کند. رسیدن به یک نقطه مطلوب، هم دشوار است. جولیان فیرس (**Julian Fieres**)، مدیر تحول، استراتژی و پایداری در شرکت تولید لوازم یدکی زد اف. فردریش‌هافن (**ZF**) به همراه تیمش، در تلاشند تا این نقطه مطلوب را پیدا کنند و سازمان را در مسیر آن قرار دهند. فیرس در بطن یک تحول قرار گرفته که دو واحد کسب‌وکار تازه ادغام شده را دربرمی‌گیرد و این دو واحد روی هم شامل ۲۰ هزار کارمند و ۱۰ میلیارد دلار فروش سالانه هستند. اما **ZF** به جای ترکیب واحدها به روش متداول مسئولیت‌های مدیریت افراد را از وظایف اداره مجموعه محصولات که به شکل سنتی قلب آن واحد به شمار می‌رفت، تفکیک کرد و با این اقدام، سلسله مراتب مدیریتی را تکان داد. نتیجه حاصل شده یک «مدل ماریچی» است که از نظر مسئولیت‌پذیری دو خط مورای دارد. یک «محور دینامیک» برای خود مجموعه محصولات و یک «محور ثابت» برای افراد قابلیت‌ها و دامنه وظایف که از اینها پشتیبانی می‌کند. مدل مارپیچی هم مثل دیگر مدل‌های سازمانی چابک به کارکنان و دیگر منابع سازمان امکان می‌دهد با انعطاف بیشتری در مجموعه محصولات تغییر ایجاد کنند و به شرکت **ZF** هم کمک می‌کند در چشم‌انداز تحولات «حمل‌ونقل الکترونیک» (**e-mobility**) که به سرعت در حال رشد و تکامل است، به رقابت بپردازد. فیرس در مصاحبه‌ای با کارشناس موسسه مک‌کینزی، منطق استراتژیک این اقدام، چالش‌های مقابله با سلسله مراتب شرکتی نهادینه شده و مزیت‌های رهاسازی روحیه کارآفرینی نهفته در سازمان را برشمرده است که در ادامه می‌خوانیم.

مک‌کینزی: موقعیتی را که ZF در سال ۲۰۲۰ با آن مواجه بود توصیف می‌کنید؟ چه چیزهایی باید تغییر می‌کرد؟

جولیان فیرس: برای این کار، باید به عقب‌تر برگردیم. شرکت **ZF** بیش از ۱۰۰ سال به عنوان یک کسب‌وکار صرفا مکانیکی، عملکرد موفقی داشته است. اما با ظهور حمل‌ونقل الکترونیک، یک واحد اختصاصی ایجاد کردیم که به طور کامل در قطعات الکترونیک و لوازم تولید و انتقال نیروی برقی در خودرو متمرکز شد. این واحد، هم یک تامین‌کننده داخلی برای **ZF** بود و هم یک فعال خارجی در بازار خودروهای سواری. همچنین این واحد به طور موازی با واحد دیگری به نام «نیروی محرکه» کار می‌کرد که هر کدام بر چیزهای مختلفی متمرکز شده بودند. اما در برابر مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تجهیزات، به‌طور موازی همکاری می‌کردند. بخش نیروی محرکه را سه سال پیش دوباره سازماندهی کردیم، اما حمل‌ونقل الکترونیک را رها کردیم. در آن زمان، رویکردی داشتیم که با نحوه ساختارنبندی مشتریان و همچنین خودبازار، توجیه‌پذیر می‌شد. اما وقتی حمل‌ونقل الکترونیک سرعت گرفت و به یک نقطه عطف رسید، مشخص شد که ساختار کلی اهمیتش بیشتر از مزایای آن است و اجازه دادیم باید با هم ترکیب شوند. ما در حال از دست دادن سینرژی — هم از بعد فنی و هم با مشتریان بودیم.

اما این دو واحد را به شیوه سنتی ادغام نکردید و خیلی فراتر از آن رفتید.

درست است. مساله اصلی این بود که «اگر می‌خواستیم اقدام بزرگی برای تلفیق این بخش‌ها انجام دهیم، چطور باید آن را در برابر آینده ضد ضربه می‌کردیم؟» از نظر میزان درآمد و تعداد کارکنان، تلفیق این دو گروه به تشکیل یکی از بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان قطعات خودرو در اروپا منجر می‌شد. از نظر میزان تغییر مورد نیاز، نمی‌خواستیم فعلا دست به سازماندهی مجدد بزنیم تا بعدا این کار را انجام دهیم. ساختاری که در بخش موتور محرکه اعمال کردیم، تمام و کمال بود، چون سازگارپذیر بود. به کار بردن آن در یک واحد جدید و بزرگ‌تر، به ما امکان می‌داد همراه با تکنولوژی تغییر کنیم و با تصمیم‌گیری‌های قانونی یا با پیشرفت‌های منطقه‌ای بازار، سرعتمان را کم یا زیاد کنیم.

اما این به معنی آن بود که مسئولیت افراد و گزارش‌دهی مستقیم آنها دیگر به بخش مجموعه محصول ربط نداشت. در عوض، این مسئولیت‌ها را به دامنه‌های وظایف جدیدی که ایجاد کرده بودیم، منتقل کردیم. این دامنه‌ها همان‌هایی هستند که به افراد آموزش می‌دهیم و درباره تخصیص منابع به مجموعه محصولات برنامه‌ریزی می‌کنیم تا بتوانیم تغییر در منابع- از جمله افراد را- خیلی سریع اعمال کنیم. و نکته منحصر به فرد این است که این مسیر را تا انتها رفتیم. مثلا مدیران مجموعه محصول که ۲ هزار نیرو در ساختار گزارش‌دهی خود داشتند، حالا به کمتر از ۵۰ نفر نیروپاسخگو هستند.

این تغییر بزرگی است. مدیران محصولات چه واکنشی داشتند؟

می‌توانم بگویم این تغییر ولوله به پا کرد. کدام مدیری دستش را بالا می‌گیرد و می‌گوید «ببینید، محصولات ما در حال نزدیک شدن به پایان چرخه عمر خود هستند. من برای تحقیق و توسعه (**R&D**) بودجه و کارکنان زیادی دارم. آن را به چه کسی بدهم؟»

برای مدیرانی که به ساختار سازمانی هرمی سنتی عادت کرده بودند و تعداد گزارش‌هایی که به آنها می‌رسید نشانه قدرت سیاسی آنها بود، سکوت کردن قابل درک بود. در یک فرهنگ شرکتی که با شاخص کلیدی عملکرد (**KPI**) اداره می‌شود، افراد می‌توانند بگویند «من همه هرم‌های لازم برای تکمیل شاخص‌های کلیدی عملکرد خودم را ندارم. چطور باید مسئولیت اداره پروژه‌ها را بر عهده بگیرم، در حالی که تخصیص منابع به پروژه‌ها برای موفقیت نهایی آنها در اختیار من نیست؟»

چطور به این سوال آنها پاسخ می‌دادید؟ رویکرد شما برای راضی کردن آنها چه بود؟

اگر بخواهم راستش را به شما بگویم، چالش خیلی بزرگی بود. در واقع، با متصل شدن به بازاری که در اطراف ما بود توانستیم آنها را راضی کنیم. خیلی زود مشخص شد که سینرژی‌ها به شکل مستقیمی به نفع کسب‌وکارهای مجموعه محصول شد به عنوان مثال، با متمرکزسازی وظیفه عملیات و ایجاد یک شبکه برنامه‌ریزی ساده‌تر شده در کل مجموعه محصولات، پیشرفت آشکاری را شاهد بودیم. مجموعه محصولات حالا زمان بیشتری برای تمرکز بر مشتریان و تکنولوژی داشتند و مشغول موضوعات عملیاتی روزمره نمی‌شدند. همزمان، تغییراتی که در این واحد ایجاد شده بود، با تحول فرآیندها، منتدها و فرهنگ ما همراه شده بود: تحولی که هنوز هم در بطن آن هستیم. نمی‌توانید یک کار را بدون همراهی کارهای دیگر پیش ببرید.

ادامه دارد...

نویسنده: Kirsten Weerda

مترجم: مریم رضایی

همه مسئولان در خصوص بیت‌المال پاسخگو باشند؛

پیشنهاد استعفا به رئیس شورای شهر کرج در پی اتفاقات اخیر

پیام آشنا- چند روز پیش بود که پسر رئیس شورای شهر کرج در اینستاگرام خود یک استوری منتشر کرد و در حال سفر به شمال با خودرو lx۵۵ شهرداری کرج بود که قبلا در اختیار شهردار کرج قرار داشت. پس از انتشار این استوری، طوفانی در فضای مجازی در تقبیح استفاده شخصی از بیت‌المال آغاز شد و بسیاری از مسئولان از خود اعضای شورای شهر گرفته تا امام جمعه کرج واکنش نشان دادند. همه چیز را دیده و شنیده‌اید اما در این یادداشت کوتاه می‌خواهیم چند جنبه از این اتفاق را با هم بررسی کنیم.

اول

این اتفاق وای واکنش‌هایی که در پی داشت، یک امیدواری است که عملکرد مسئولان در جایگاهی که دارند به شدت زیر ترمیمین مردم قرار گرفته و اتحاد اهالی رسانه سبب شده این رویکرد تقویت شود و نمایندگان منتخب بدانند باید به رای مردم احترام بگذارند و خدمت‌رسانی تنها شعار و وعده‌ی ورود آن‌ها به شورای شهر کرج نبوده است.

دوم

از مسئولانی که واکنش نشان دادند و تصرف بیت‌المال را برای استفاده شخصی مورد انتقاد قرار دادند سپاس گزاریم هرچند وظیفه خود را به عنوان نماینده‌گان مردم انجام دادهاند اما سوال اینجاست که آیا خود این دوستان مبری از اشتباه هستند؟ قصد نداریم کسی را متهم کنیم اما از تمام اعضای شورای شهر کرج می‌خواهیم حال که این‌قدر به این مسائل حساسیت نشان دادهاند، فهرستی از افراد جدیدالورود به شهرداری کرج در اختیار عموم قرار دهند تا اگر کسی بر اساس نسبت فامیلی و آشنایی سبب به کار گیری نیروی جدید در شهرداری کرج شده (که همین الان نیز با مازاد نیروی رویه‌روست)، ما هم آگاه شویم.

سوم

بیت‌المال موضوع بسیار حساسی است و پرداختن به آن از اوجب واجبات، اما متاسفانه به نظر می‌رسد در اولویت‌بندی پرداختن به موضوعات کمی دچار سردرگمی هستیم. بسیاری از موضوعات از ابتدای آغاز به کار دوری شنهوشات‌مورد پیگیری قرار گیرد صفاندهمان موضوعی که در بدو بین شد به کار گیری نیروهایی که بر اساس روابط خود وارد شهرداری جای دادهاند و نه تخصص و نه تجربه‌ی لازم برای سمت مورد تصدی خود دارند اما متاسفانه خبری از پرداخت به این موضوعات نیست. بهتر نیست اعضای شورا یکصدا به این موضوعات نیز بپردازند؟! استفاده پسر رئیس شورای شهر کرج: شورای شهری که مدام دم از انقلابی بودن و اقدامات جهادی می‌زند، از بیت‌المال به هیچوجه پسندیده نیست و خلاف و ممنوع است و پاسخ رئیس شورای شهر کرج هم برای شهروندان قانع‌کننده نبود. اما عدم اعتنا به نیروهای وارد شده به شهرداری بدون تخصص و تجربه‌ی لازم که در طی سال حقوق و مزایای آن‌ها از جیب مردم کرج هزینه خواهد شد، موضوع مهم‌تر و حساس‌تری است.

چهارم

در اتفاق اخیر حق کاملا با مردم است و رئیس شورا باید باید و باید توضیحی قانع‌کننده به عموم بدهد که اعتمادشان لکه‌دار شده اما به سایر اعضای شورای شهر کرج و سایر مسئولان و مدیران مدیریت شهری کرج اعلام می‌کنیم که چه خوب است خودتان هم واکنش نشان دادهاید و به این موارد حساس شدهاید و ما نیز به دلیل رسالت رسانه و صدای مردم بودن، عملکرد تمام شما را بیش از پیش زیر ذرهبین قرار خواهیم داد و از دغدغه‌های خودتان برای حفاظت بیت‌المال و عدم تجاوز به حقوق شهروندان وام خواهیم گرفت. امید که این مطالبه‌گری و حساسیت که پایش به خطبه‌ی نماز جمعه‌ی اخیر نیز باز شد، ذات سالم خود را داشته دهد و دستاویز موج‌سواری برخی افراد نشود که عملکرد نادرست خود را از دید عموم بپوشاند. از اعضای شورای شهر کرج نیز می‌خواهیم در صحن علنی که تمام شهروندان و اصحاب رسانه شاهد وقایع و اتفاقات آن هستند از رئیس شورا در این خصوص پرسش کنند و توضیحات ایشان را در آن جلسه بشنویم. هرچند طبق آن‌چه در این چند روز از صحبت‌های مردم و اهالی رسانه شنیده‌ایم بهتر است رئیس شورا جهت اثبات صداقت خود و احترام به مردمی که به اعتصاد و امیدواری به او رای دادهاند، استعفا دهد. چرا که اگر شورایی که مهم‌ترین وظیفه‌اش نظارت است، توجه به چنین اقداماتی تن دهد باید بساط نظارت بر شهرداری و سازمان‌های وابسته را جمع کند.

مجتبی حاجی‌قاسمی تاکید کرد؛

وظیفه عضو شورا طرح شجاعانه دغدغه‌های عمومی است

دبیر شورای شهر کرج: طرح مشکلات جاری شهرداری و دغدغه‌های جامعه را جزو وظایف عضو شورا عنوان کرد

به گزارش پیام آشنا، مجتبی حاجی قاسمی که پس از نطق درباره عملکرد دستگاه های نظارتی شهرداری کرج در هفدهمین جلسه رسمی شورا با واکنش های گسترده ی روبرو شده بود، در هجدهمین جلسه از این پارلمان محلی، به گفته های امام خمینی (ره) درباره ضرورت شنیدن نقد به حق یا حتی به ناحق اشاره کرد و طبق فرمایش ایشان نقد بلکه تخطئه را هدیه الهی دانست. حاجی قاسمی گفت: بارها فیلم صحبت هایم در جلسه قبل را گوش دادم و کوچکترین اهانتی در این گفته ها ندیدم. وی، بیان کرد قطعا اگر به عنوان عضو شورا صلاح دیدم درباره این موضوع حرف بزنم، احساس نیازی برای تبریز وجود داشته است.

حاجی قاسمی اذعان کرد: تمامی اطلاعات و مطالب گفته شده در جلسه قبلی بر اساس مدارک و مستندات بوده است. من قائل به وجود قید امنیتی برای صحبت درباره دستگاه های نظارتی شهرداری کرج نیستم. دبیر شورای شهر کرج: با اذعان بر اینکه حق عضو شورا سخن گفتن است، تاکید کرد: کسب ارزو تنها از طریق صداقت و صراحت ممکن است. وی گفت: باید همان اندازه که به خطاهای ریز و کوچک پرداخته می شود روی تخلفات بزرگ و اصلاح رویکردها و فرآیندها هم حساسیت وجود داشته باشد.

حاجی قاسمی بر ضرورت تغییر رویکرد نهادهای نظارتی به سمت اقدامات کاربردی تاکید کرد.

وی ادامه داد: متاسفانه به رغم همه انتقادات و هجمه هایی که پس از نطق جلسه قبل مطرح شد، هیچ کس پیگیر موضوع قراردادی که اعلام کردم بر خلاف منافع شهرداری است و در هیچ کجا ثبت نیست نشده که این امر به راستی مایه تاسف است.

فاطمه منعمی:

بیت المال را فدای تدابیر سیاسی نکنیم

رئیس کمیته بانوان شورای شهر کرج گفت: متاسفانه برخی مدیران شأن جایگاه خود را نمی دانند و تنها منافع شخصی و آینده سیاسی شان را در تصمیمات و فعالیت هایشان مد نظر قرار می دهند.

به گزارش پیام آشنا، فاطمه منعمی در هجدهمین جلسه شورا، بیان کرد: یکی از مدیران مناطق با این دیدگاه که مردم آن منطقه از لحاظ فرهنگی در سطح پایینی هستند، از انجام اقدامات و مسئولیت های تعریف شده در حیطه فعالیتش سر باز می زند. منعمی افزود: می گویند سطل زباله نمی گذاریم چون آن را می دزدند. پس مسئولیت یک مدیر غیر از کار و تلاش و فرهنگ‌سازی چیست؟ وی، با تصریح بر اینکه متاسفانه منافع شخصی و آینده سیاسی برخی مدیران بر خدانترین و انصاف آنها غالب شده است، هزینه کرد این افراد از بیت المال را عین خیانت عنوان کرد. این عضو شورای شهر کرج، همچنین بی انگیزه شدن بخش زیادی از نیروهای شهرداری کرج در قبال نحوه عملکرد برخی مدیران را مورد اشاره قرار داد. منعمی تاکید کرد: بی توجهی به منابع انسانی ما را دچار شکست خواهد کرد. وی، گفت: ایجاد انگیزه در کارکنان و اصلاح شیوه مدیریت منابع انسانی، جزو مسئولیت ها و وظایف شهرداری است و ارتباطی با پروژه های بزرگی چون مترو و بزرگراه شمالی ندارد که بخواهیم منتظر رسیدن بودجه باشیم. رئیس کمیته بانوان شورای شهر کرج، همچنین از بیان تذکرات بی نتیجه اعضای شورا که مورد پاسخگویی شهردار قرار نمی گیرد، انتقاد کرد.

وی افزود: بارها تذکر دادم که در منطقه حصارک تعداد ۲۰ واحد از منازل مردم به دلیل گودبرداری غیراصولی در خطر آوار شدن است اما کوچکترین پاسخ یا اقدامی از سوی شهرداری شاهد نبوده ام. منعمی تصریح کرد: شهرداری تاکنون به هیچ یک از تذکرات من پاسخی نداده است که این امر جای پیگیری و سوال جدی دارد.

مسعودمحمدی:

زبینده کلان‌شهر کرج نیست که در آن معابر خاکی وجود دارد

رئیس کمیسیون عمران وحمل و نقل شورای اسلامی شهر کرج گفت: برای کلانشهر کرج شایسته نیست که همچنان در آن معابر خاکی وجود داشته باشد

به گزارش پیام آشنا، مسعود محمدی گفت: با توجه به نزدیک شدن به فصل سرما و بارندگی مناطق نسبت به مشخص نمودن معابر خاکی و تکمیل زیر سازی و جدولگذاری آنها با رعایت اصول فنی و ضوابط شهرسازی اقدام کنند.

رئیس کمیسیون عمران وحمل و نقل شورای اسلامی شهر کرج تصریح کرد: اولویت بندی ها بر اساس جمعیت ساکنین نیاز و انتظارات مردم انجام تا موجب رضایتمندی شهروندان شود.

محمدی گفت: طبق برنامه ریزی صورت گرفته تا آخر سال جاری معابر خاکی احصا و مطابق اولویت بندی انجام می‌شود.

تدوین سند "توسعه روستایی" گام موثر در توسعه پایدار روستاهای استان تهران

رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران با اشاره به اینکه با اجرایی شدن سند توسعه روستایی می‌توان به اهداف برنامه‌ریزی شده برای تحقق رشد ۷۶ درصدی استان دست پیدا کرد، تدوین سند توسعه روستایی گام موثر در حوزه توسعه پایدار روستاهای استان تهران است.

به گزارش پیام آشنا، مسعود شفیعی در تشریح روند تدوین سند توسعه روستایی در استان تهران و تاثیرات آن بر توسعه پایدار استان گفت: در قانون برنامه ششم توسعه قانونگذار بدنه کارشناسی تصمیم‌ساز را مکلف به هویت‌بخشی به روستاها کرده است تا از این باب هر روستا شخصیتی اقتصادی و اجتماعی برایش تعریف شود و از تمرکز جمعیتی در مناطق شهری کاسته شود.

وی با اشاره به تحولات بنیادین که در روستاهای استان ایجاد شده است، افزود: روستاهای در جوار کلانشهرها اکنون هویت تازه‌ای گرفته‌اند و در بحث تامین نیروی کارگری و فعالیت های صنعتی فعال‌تر شده‌اند. مهاجرت از روستاها و رشد شهرنشینی علاوه بر ایجاد مشکلاتی در حاشیه شهرها کاهش شدید میزان باروری را نیز سبب شده است در حقیقت کانون‌های قطبی استقرار جمعیت و کاهش باروری در کشور از دوحوزه جغرافیایی و پیری جمعیت در سال‌های آینده کشور را تهدید می‌کند.

شفیعی ادامه داد: اجرای طرح‌هایی در راستای رونق روستاها در کشور انجام شده است؛ اما باید برای توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها برنامه‌ریزی مدون و بلندمدت انجام شود برنامه‌ای که تنها به برنامه ششم ختم نشود. رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران با اشاره به سند توسعه روستایی گفت: در این سند فرآیندی که برای توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها منتظر است بطور کامل تبیین شده و لازم است همه فرمانداران و مسئولان شهرستانی از آن مطلع شوند. تدوین سند توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی استان تهران یکی از اقدامات اثرگذار و مهم در حوزه توسعه پایدار در روستاهای استان خواهد بود و با اجرایی شدن این سند در روستاهای استان می‌توان به اهداف برنامه‌ریزی شده برای تحقق رشد ۷۶ درصدی استان دست یافت. وی تاکید کرد: تحقق این رشد در چهار بخش کشاورزی، معدن، صنعت و خدمات در نظر گرفته شده که با اجرای سند توسعه روستایی می‌توان در تمامی این بخش‌ها تحول ایجاد کرد. بی تردید اصلی‌ترین هدف در برنامه‌ریزی توسعه‌برنامه‌ریزی شهرستانی است.

جهان‌شهر!

نقاشی دیواری عظیم با خاکسترهای جنگل آمازون!

یک هنرمند در برزیل با استفاده از خاکسترهای ناشی از آتش‌سوزی جنگل‌های آمازون اثر هنری خلق کرده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از رویترز، «هوندانو» که یک هنرمند برزیلی است با استفاده خاکسترهای ناشی از آتش‌سوزی جنگل‌های آمازون یک دیوارنگاره عظیم در یکی از خیابان‌های «ساائوپائولو» خلق کرده است. «هوندانو» بر روی دیوار یک ساختمان عظیم تصویر یک آتش‌نشان حین خاموش کردن آتش و در میان حیوانات جان‌باخته را نقاشی کرده است.

این هنرمند که خلق این دیوارنگاره را نوعی فعالیت که آمیزه‌ای از هنر و فعالیت اجتماعی است توصیف کرده، می‌گوید برای خلق این نقاشی از مدرک وقوع جرم استفاده کرده است.

«هوندانو» در فاصله ژوئن تا جولای بیش از ۱۰ هزار کیلومتر در سراسر برزیل سفر کرد و از جنگل‌های آمازون، تالاب پانتانال، منطقه سرانو و جنگل اطلس سفر کرد تا خاکسترها را جمع‌آوری کند.

او در این بین با آتش‌نشانان و داوطلبان ملاقات کرد تا به داستان‌هایشان گوش کند.

روند توقف جنگل‌زدایی غیرقانونی در برزیل چندان موفق نبوده است. در ماه اوت، ماهورها، ۲۸،۰۶۰ مورد آتش‌سوزی در جنگل آمازون برزیل شناسایی کردند.

به گفته «هوندانو»، این دیوارنگاره نوعی اعتراض و درخواست کمک است.

دیدگاه

معماران بعضی وقت‌ها خودشان را بیش از اندازه جدی می‌گیرند

ویکتور لگورتا

گاهی معماران سعی می‌کنند نظریه‌های خودشان را جمع به خلق معماری را بیش از اندازه عقلانی کنند. بعضی مواقع حیرت می‌کنم که این نظریه‌ها پیش از آن که طراحی انجام شود به وجود آمده یا بعد از آن. از همین رو، من فکر می‌کنم که بعضی وقت‌ها معماران خودشان را بیش از اندازه جدی می‌گیرند. لیکن در نهایت زنالها برای مردم است.

پشت هر بنایی باید اندیشه‌ای مستحکم وجود داشته باشد و هر بنا باید به خوبی در طول سال‌ها عمر کند. در عین این سخن، من همچنین معتقدم شدهام که هر بنا باید عنصری از شگفتی داشته باشد. لازم است بنا تجربه‌ای عاطفی فراهم کند. اما باز هم، ما معماران باید تلاش کنیم که در زمینه نظریه‌های پشت بناها پیش از اندازه جدی نباشیم.

(در گفت‌وگو با Vladimir Belogolovsky، منتشر شده در وب‌سایت archdaily، سال ۲۰۱۷)

منبع: سایت گفتار

یادداشت

مبارزه با زباله گردی را از خودمان شروع کنیم

هر روز در کوچه و خیابان با منظره‌ای مواجه می‌شویم که هم برای جامعه درد آور است و هم احساسات فردی را آزرده می‌کند و هم دشمنان وقتی می‌خواهند علیه نظام تبلیغات کنند بالتشار تصاویر و عکس‌های آن جامعه ایرانی را فقیر و نیازمند به تصویر می‌کنند؛ این منظره‌های زنجاور، اویزان شدن تعدادی زباله گرد از مخازنی است که برای جمع‌آوری زباله‌ها در خیابان‌ها تعبیه شده‌است.

یکی از شغل‌های کاذب با درآمد خوب که نه تخصص می‌خواهد و نه سرمایه، جمع‌آوری طلای کثیف است. هرچند برای این شغل هم بایستی نزد کارچاق کن‌هایی این حرفه و یا بانده‌ای مخوف جمع‌آوری و فروش زباله رفاو رد.

متاسفانه تاکنون در هیچ یک از شهرها موفق نشده‌ایم فرهنگ تفکیک زباله از مقصد را به سبک زندگی مردم وارد کنیم و شاید هنوز به این نتیجه نرسیده‌ایم که شهروندان باید وظیفه خود بدانند زباله‌های قابل بازیافت را در خرانه تفکیک کنند و پلاستیک و بطری‌های آب و نوشابه را جدای از زباله‌های تر و خشک در ظرفی خاص جمع‌آوری کرده و تحویل دهند.

متاسفانه این رفتار عادی شده که همه زوایه را در نایلون بریزیم و هر ساعتی که اراده کنیم، زباله را به صورت تفکیک نشده در مخازن سر خیابان خالی کنیم و توجه نداشته‌ایم و نداریم که ماموران جمع‌آوری زباله‌ها همه شب مخازن را تخلیه و زباله‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و تا شب بعد برای تخلیه مخازن مراجعه نخواهند کرد.

این بی‌مبالاتی ما و عدم توجه شهرنشین‌ها به انتقال زباله‌ها در ساعت معین، موجب شده در جامعه شغلی ایجاد شود که بدون توجه به سن و توانایی کافی، به اسامی می‌توان در تیم جمع‌آوری زباله قرار گرفت و سرنیمی که نمسوال تعداد قابل توجهی از این افراد را زیر نظر دارد بیچعها را وارد به اویزان شدن به ظرف‌های زباله شهری برای جمع‌آوری پلاستیک‌هایی کند که ما شهروندان می‌توانستیم در خانه خویش آن را در بسته مجزا جمع‌آوری و در ساعت مقرر به مخازن منتقل کنیم.

نکته جالب تر اینکه افراد زباله‌گرد پلاستیک‌ها را جمع می‌کنند تا شب با فروش آن مبلغ قابل توجهی به دست آورند، مبلغی که به قیمت هزینه شدن ابروی شهر و جامعه تمام می‌شود.

باید بپذیریم که همه افراد جامعه با هر دیدگاه سیاسی، اجتماعی یا از سردلسوزی و وظیفه دینی و انسانی با دیدن چهره معصوم کودکی که با لباس نامناسب از سطل زباله بالا می‌رود و یا گوئی پاره بزرگی را به دوش می‌کشد، ناراحت می‌شویم و بارها و بارها با انداختن گناه به گردن دیگری وجدان خود را آسوده کردهایم. گاهی قدم را به پیش گذاشته، این پرسش را مطرح می‌کنیم که چرا بچه‌ها روزی خود را از سطل زباله پیدا می‌کنند و بعضا از روی احساسات کنترل نشده مدعی می‌شویم که آنان غذای خود را از سطل زباله جستجوی کنند و می‌خورند.

صحنه‌ای که شاید و یا حتما ندیده باشیم! اما در شبکه‌ها برای یکدیگر می‌فرستیم و چون صحت ندارد آثاری در وجود ما نخواهد گذاشت. واقعا اگر از این وضع زباله‌گردی ناراحت هستیم و ناراحتی ما بجا و درست است؛ چرا از خانه خود شروع نکنیم؟!

برای رفع این مشکل بایستی سبک زندگی خود را تغییر دهیم و زحمت تفکیک زباله قابل بازیافت را از خانه بپذیریم. خرصوتی که حقاق شهروندان این کار ساده و انجام دهند، علاوه بر آسیب زدن به بهداشت و نامناسب نشان دادن چهره شهر، کمتر شاهد صحنه‌های زباله گردی و سوساندانه از کودکان برای این شغل کاذب خواهیم بود.

پس اولین قدم این است که از خودمان شروع و زباله را از مبدا تفکیک کنیم. دوم اینکه گسردش مالی بالای صنعت زباله در دنیا باعث حضور مافیا در این حوزه شده که ایران از این موضوع مستثنی نماند است. هرچند در صورت ارائه دشانسایی آثار کار سختی نیست. اگر شهرداری تصمیم به جمع‌آوری داشته باشد بامالی می‌تواند با همکاری نیروهای انتظامی و قضایی، باتوق جمع‌آوری محلی را شناسایی و کامیونی که برای حمل آن می‌آید را بی گیری کند تا به محل جمع آوری اصلی که حتما از چشم شهرداری ها دور نیست، برسد.

نکته دیگر تصمیم شهرداری است که وانشهایی را مامور کرده تا زباله‌های پلاستیکی و کاغذی را از شهر جمع آوری کنند و به محل تفکیک زباله در مقصد تحویل دهند. خود این حرکت که شاید برای مقابله با زباله‌گردی با بهاجبار توسط شهرداری راه‌اندازی شده در صورت عدم نظارت می‌تواند به این حرکت تاصحیح تامین بزند.

نکته مهم تر اینکه فرامونش نکنیم که شهرداری تنها دستگاه مسئول در مدیریت پسماند و زباله نیست و انتظار می رود سایر دستگاه ها از جمله سازمان محیط زیست و وزارت کشور نیز نقش پررنگ‌تری در این حوزه ایفا کنند.

دیگر اینکه یک اجماع عمومی برای مبارزه با این بدیده لازم است که متاسفانه هم در جامعه و هم در بین مسئولان، تصمیم مبارزه با این بدیده گرفته نشده و تاکنون ضرورت آن برای دست اندرکاران تحقق پیدا نکرده است.

گفته شد مهمترین راه برای حل این مشکل، تفکیک زباله از مبدا است. امروز شهرداری‌ها به بهانه خوف زباله‌گردها از تعبیه مخازن زباله قابل تفکیک سر باز می‌زنند و به نحوی که به چرات می توان گفت که در هیچ کجای شهر و یا هیچ شهری نمی‌توان این مخازن‌های رنگی زباله را مشاهده کرد!

دیگر راه، جمع‌آوری زباله‌های تجزیه‌پذیر در ساعت خاص از در منازل است. راه دیگر توسعه کارخانه‌های کمپوست و تبدیل زباله به کود و دیگر فرایندهای آن است که اراده شهرداری را می‌طلبد تا مقابل بدنه‌های مافیایی جمع‌آوری زباله ایستادگی و خود امکانگاری را برای جمع‌آوری زباله خنک فراهم کند.

و آخر اینکه شهرداری طبق برنامه‌ای حداقل یک سال درآمد حاصله از جامع طلای کثیف را صرف تبلیغات و فرهنگ‌سازی کند. صدا وسیما هم به جای تبلیغ مصرفی و سوق دادن جامعه به مصرف‌گرایی، ترویج فرهنگ تفکیک زباله از مبدا تا مقصد را در دستور کار خود قرار دهد.

امید داریم با فرهنگ‌سازی در جامعه و با همافزایی دستگاه‌های مسئول و همراهی مردم در آینده نزدیک شاهد این منظره‌ای آزارهنده در کوچه و خیابان‌ها نباشیم و آخر اینکه از باب فرمان الهی "گم تقولون مالا تفعلون" درصورتی که خودمان زباله‌های منزل و محل کار را تفکیک شده تحویل پاکبان زحمتکش ندادهایم، به خود اجازه ندهیم به عنوان دلسوز پدیده زباله‌گردی از این مناظر آزار دهنده انتقاد کنیم.

به امید روزی که ما با توسعه فرهنگ تفکیک زباله از مبدا در همه شهرها دیگر با پدیده زباله مواجه نباشیم.

علی متقیان